

از آثاری که نه همان ارج و جایگاه آن در ادبیات دوره مشروطه خواهی شناخته نشده که برای بسیاری از اهل تحقیق هم ناشناخته مانده، میکادونامه است. که کتابی است به شعر به شیوه و بر وزن شاهنامه و داستان جنگ روس و ژاپن (۱۹۰۵ - ۱۹۰۴ م.) سروده میرزا حسین علی تاجر شیرازی. این «رزمنامه» در بیش از دو هزار بیت، اندکی پس از این جنگ و درگرمای جنبش مشروطه خواهی در ایران، در جمادی الثانی ۱۳۲۵ هـ. ق. (۱۹۰۷ م.) از سوی روزنامه «حبل المتین» کلکته در ۱۱۲ صفحه طبع و نشر شده است. در این نوشته کوتاه محتوای میکادونامه و محیط و احوال سروده شدن آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جلال‌الدین حسینی معروف به مؤیدالاسلام مدیر حبل المتین در تقریظی که در آغاز این کتاب آمده آنرا چنین شناسانده است: «میکادونامه رساله‌ای است حاوی تمام واقعات جنگ روس و ژاپون در اقصای شرق که مانند سایر جنگ‌نامه‌ها به قالب شعر ریخته شده، روایاتش از روی مأخذ صحیح و درایاتش به اصول تحقیق و تدقیق... میکادونامه در عوالم شعری و ادبی نیز کمال امتیاز را دارد؛ به اصطلاح عامیانه دربارا در کوزه گنجانده و حتی الامکان از اغرافات شاعرانه بری، با پیرایه شعر و شاعری از دایره حقیقت‌نگاری خارج نشده، نصایح دلپذیر و چگونگی محاربات عبرت خیزش ملل غیور را اسباب جنبش و مایه عبرت است...»

در آغاز کتاب و پس از آوردن شناسه، قیمت آن «در ایران یک تومان و در هندوستان سه روپیه» نوشته شده و پیداست که این منظومه در هند و ایران منتشر شده است. گوینده میکادونامه در پایان منظومه (صص ۱۲ - ۱۱۱)* و در مقام ختم کتاب، درباره خود و سبب سرودن این رزمنامه می‌گوید:

«کمترین، میرزا حسین علی خَلَفِ مرحمت شأن اقا عبدالحسین تاجر شیرازی، مدت‌ها سرمایه زندگانی که عمر عزیز است در مسافرت به اکتاف ایران الی حدود

هندوستان صرف سیاحت نموده و بهره جز بعضی اطلاعات از اوضاع حالیه زمان به دست نیاورده همیشه بدین خیال بودم که زبده مشهورات خود را به هر لباس که باشد به زیور نظم درآورده تا بیادگار بماند. در این موقع حسب الخواهش یکی از دوستان، باسم میکادونامه این دو هزار واند بیت را که در حقیقت اشعار بر جنگ و وضع دول همسایه هست جهت تنبیه ایناء ملت به نظم آورده امید است که مقبول ارباب اطلاع افتد (۱۳۲۳).»

نیز، در سروده‌اش خود را چنین می‌شناساند:

اگر چه زشیرازم هست آب و خاک

که باشد مرا فخر از آن خاک پاک

ولی در خراسان کنون خسته‌ام

به زنجیر غم پای دل بسته‌ام

و می‌افزاید که این دو هزار و چند بیت را در دو ماه

سروده است. (۱۲ - ۱۱۰)

محتوا

میکادونامه چنانکه از نام آن برمی‌آید، در واقع جشن‌نامه پیروزی ژاپن بر روس است در جنگی که نخستین بار در عصر جدید به غلبه کشوری آسیایی بر دولتی از شمار قدرت‌های استعماری غرب انجامید. این کتاب به افتخار امپراتور ژاپن «میکادونامه» نامیده شده است. میکادو در لغت به معنی «آستان مبارک» یا «دروازه شریف» است. چنانکه در عثمانی قدیم «باب عالی» می‌گفتند و در ایران دوره قاجار «باب همایون» و نامه به شاه را به «آستان همایون» خطاب می‌کردند. عنوان میکادو را نمایندگان سیاسی و پژوهشگران اروپایی برای امپراتور ژاپن به کار می‌بردند. خود ژاپنی‌ها پادشاهشان را با نام «تن شی» Tenshi یا «تنو» Tenno یا عنوان‌های دیگر یاد می‌کنند.^۲

سراینده پس از تحمیدیه مرسوم و اشاره‌ای به تاریخ ایران از دوره باستان و نیز مقدمه‌ای در احوال ترقی روس به همت پتر کبیر و نیز شرح بیداری ژاپن، به زمینه و موجبات این درگیری پرداخته و سپس وصف نبردها و

میکادونامه

یا ستایش‌نامه ژاپن

(رزمنامه‌ای از یک سده پیش)



دادن اولیاء دولت و مردم ایران به اهمیت نیروی لشکری و سامان و سازمان دادن آن.

زمینه سیاسی و تاریخی جنگ روسیه ژاپن

ژاپن در جنگ با چین (۱۸۹۵-۱۸۹۴ م) طعم پیروزی را چشید. اما سه دولت روسیه و فرانسه و آلمان به میان آمدند و او را از بیشتر یافته‌هایش محروم ساختند. ناتوانی چین هم به دولت‌های استعماری میدان پیشرفت داد. روسیه و فرانسه و آلمان به چین وام دادند و منابع ثروت این کشور را به وثیقه برداشتند. در سال ۱۸۹۶ م. روسیه امتیاز ساختن راه آهن خاوری چین از مسیر منچوری را از آن خود کرد. پس از آن پورت آرتور Port Arthur بندرگاه مهم چین را به اجاره برداشت و دولت چین را به شناختن موقع خاص و ممتاز روسیه در منچوری واداشت. آلمان و فرانسه و بریتانیا هم به سهم خود امتیازهایی گرفتند.

این تاراجگری قدرت‌های اروپایی، ژاپن را نگران ساخت و در میانه آشوبی که در چین پیش آمد فرصتی برای جبران وضع یافت. در سال ۱۸۹۹ مقاومت چینی‌ها در برابر یغمای بیگانگان به صورت شورش‌های دامنه‌دار بروز کرد. شورشیان راه‌هایی را که به پکن می‌رسید گرفتند و نمایندگی‌های خارجی را در محاصره آوردند و به دولت‌های امتیاز گرفته در چین بهانه مداخله دادند. ژاپن به درخواست دولت‌های غربی نیروی نظامی عمده‌ای به سرعت به خاک چین رساند و از غرامت‌هنگفتی که قرار شد چین بپردازد سهمی یافت. در این میان مناسبات ژاپن با روسیه تیره‌تر شد. دولت روس که از طرح و عملیات آزاد کردن نمایندگی‌های خارجی در پکن دور نگهداشته شده بود، گسترش شورش به ایالات شمال شرقی چین در همسایگی خاک خود را بهانه ساخت و سراسر منچوری را گرفت.

در کره نیز رویدادهای پس از پیروزی بر چین هم، بر مراد ژاپن نبود. شورشی در آنجا درگرفت و روسیه به این دستاویز در میان آمد. قدرت حکومت تزاری در منچوری و کره روزافزون و مایه دردسر بزرگی برای ژاپن شد. یک نتیجه این وضع، نزدیک شدن ژاپن و بریتانیا بود - که در مخالفت با سیاست توسعه ارضی روس هم‌رای بودند و هر دو می‌خواستند از الحاق منچوری به روسیه جلو گیرند.

جریان جنگ را تا خانمه آن و بسته شدن پیمان صلح آورده است. چنانکه در تقریظ آغاز کتاب آمده، «میکادونامه دارای پنجاه و هشت تصویر عکس حقیقی محاربات اقصای شرق است با تمثال امپراطور روس و ژاپون و امیرالبحرها و جنرال‌های بزرگ روسی و ژاپونی» که همه آنها با عناوین احترامی، مانند «سردار جلیل‌القدر» معرفی شده‌اند و پیداست که این تصاویر از سوی روزنامه حبل‌المتین، ناشر این منظومه و مدیر آن فراهم و در کتاب گنجانده شده است. متن و مطالب این منظومه و روایت رویدادها و همسویی سخن آن با گزارش‌ها و تفسیرهای حبل‌المتین کلکته نشان می‌دهد که سراینده آن، مطلب خود را همه یا بیشتر از نوشته‌های این روزنامه برگرفته و آنرا به شیوه شاهنامه سروده و ساخته است.

مهمترین سال‌های دوره سی و هفت ساله انتشار حبل‌المتین را از نظر محتوا و اهمیت تأثیر آن، دهساله ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۷ ه. دانسته‌اند (= سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۹ میلادی). این سال‌ها مصادف بود با جنبش مشروطه‌خواهی و سپس کشاکش میان مشروطه و استبداد در ایران. در سیاست خارجی، حبل‌المتین این دوره هوادار اتحاد مسلمانان و ضد دخالت بیگانگان به ویژه روس‌ها بود. با اینهمه، انگلیس‌ها هم به ظاهر از آن ناخرسند شدند زیرا که توافق بریتانیا و روسیه در تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ - معروف به قرارداد ۱۹۰۷ - مورد انتقاد سخت حبل‌المتین قرار گرفت. اما این روزنامه بیشتر ضد روس بود.^۴ میکادونامه نیز در هر فرصت به تمجید انگلیس و تکذیب روس پرداخته، مشروطیت آنرا ستوده و استبداد این یک را نکوهیده است.

حبل‌المتین در سراسر دوره جنگ روس و ژاپن رویدادهای آنرا روز به روز دنبال می‌کرد و در هر شماره تفسیر ویژه و خبرهای گوناگون درباره آن داشت. و نیز صفحه‌هایی از هر شماره در سال دوازدهم خود (۱۹۰۵-۱۹۰۴ م) را به یک سلسله بررسی و گزارش با سر فصل «تاریخ حرب ژاپون» اختصاص می‌داد، و شرحی از وضع نظامی و نیروهای رزمی ژاپن و آموزش و اسلحه و تدارک آن می‌نوشت. این گزارش‌های حبل‌المتین، سوای انگیزه و شوق روس ستیزی آن، کوششی بوده است برای توجه

میکادونامه کتابی است به شعر به شیوه و بر وزن شاهنامه

و داسنان جنگ روس و ژاپن (۱۹۰۵-۱۹۰۴ م) سروده

میرزا حسین علی تاجر شیرازی که در بیش از دو هزار بیت،

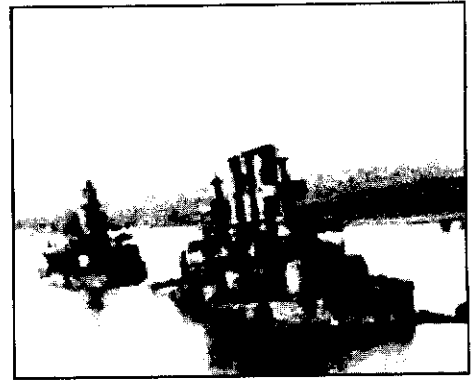
اندکی پس از این جنگ و

در گرماگرم جنبش مشروطه‌خواهی

در ایران، در جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ ه. ق /

۱۹۰۷ م از سوی روزنامه حبل‌المتین کلکته

در ۱۱۲ صفحه طبع و نشر شده است



ناوهای درگیر در جنگ روس و ژاپن

ساختمان اصلی و برج در معبد «هوری یوجی» واقع در ایالت «نارا» مربوط به قرن هفتم میلادی



در گرم‌گرم جنبش مشروطه خواهی، میکادونامه بیش از هر چیز در پی به شور آوردن ایرانیان و برانگیختن احساسات ملی آنهاست

پیمان اتحاد ژاپن و بریتانیا که در ۳۰ ژانویه ۱۹۰۲ امضاء شد تصریح داشت که «ژاپن سوای منافعی که در چین دارد. تا اندازه‌ای از نظر سیاسی و نیز تجاری و صنعتی در کره هم ذی‌علاقه است.» این دو دولت توافق کردند که اگر یکی از آنها درگیر مخاصمه‌ای در شرق دور بشود، دیگری بی‌طرف بماند.^۵ زمینه اتحاد ژاپن و بریتانیا از سال ۱۸۹۵ فراهم شده بود. بریتانیا از پیوستن به «طرح مداخله سه دولت» امتناع نموده و نیز سهم مهمی در تجدد ژاپن داشته (تعلیم فنون، فرستادن کارشناس و فروش اسلحه) و موجب ایجاد گروهی هوادار در توکیو شده بود که در پی مناسبات نزدیک‌تر با انگلیس بودند. جنگ روس و ژاپن دو سال پس از امضای پیمان اتحاد با بریتانیا درگرفت. افکار عمومی ژاپن برای جنگ آماده بود. نظامیان با شوق به جبهه‌ها شتافتند، و بیشتر مردم هم بر این عقیده بودند که ژاپن راهی جز جنگ ندارد. روسیه در ماه آوریل ۱۹۰۲ وعده بیرون بردن قوایش از منچوری را داده بود. اما سپس بدعه‌دی کرده بود. ژاپن در ژانویه ۱۹۰۴ اولتیماتومی داد، و چون پاسخ مساعد نرسید در تاریخ ۶ فوریه مذاکره و روابط سیاسی را با روسیه قطع کرد و روز ۱۰ فوریه به آن دولت اعلان جنگ داد.^۶

شیوه سخن میکادونامه

این منظومه که به سخن مدیر حبل‌المتین در تقریظ او «نصایح دلپذیر و چگونگی [شرح] محاربات عبرت خیزش ملل غیور را اسباب جنبش و مایه عبرت است.» ۲۲ بخش دارد، و جای جای از تعبیرها و ترکیب‌های کلام شاهنامه و آثار دیگر سرایندهگان نامور وام و بهره گرفته، چنانکه در شکسته‌شدن سپاه روس به سرداری الکسوف در جنگ دریایی گفته است:

چه خوش گفت آن شاعر تیزهوش

که یادش به مینو همی باد نوش

«چو تیره شود مرد را روزگار

همه آن کند کش نیاید به کار» (ص ۴۰)

و در مناسبتی دیگر سروده است:

چه خوش گفت آن لبلیل فارسی

کز این عهد مدت برش بیست سی

«گنه کرد در بلخ آهنگری

به ششتر زدند گردن زرگری» (ص ۸۹)
گاه نیز بی‌یاد کردن از ماءخذ، شعر، سرایندهگان نامدار را تضمین کرده، چنانکه در سخن از ضرب‌الاجل میکادو به امپراتور روس برای از دست نهادن منچوری گفته است:
اگر نایدم باز ازین خط جواب

«هن و گرز و میدان افراسیاب» (ص ۲۹)
از مختصات ادبی میکادونامه، ساقی‌نامه‌ای است در چندین، و گاه بیش از ده بیت در آغاز وصف صحنه‌های نبرد و مراحل جنگ، که پیش درآمد بیشتر فصل‌های آنست و پیداست که به سبک و سیاق ساقی‌نامه منسوب به حافظ سروده شده، چنانکه در بخش پایانی منظومه یاد کرده است:
بیا ساقی از می تمامم نما

زهر یاهو ختم کلامم نما
چه خوش گفت آن عارف نوالمنن

که طوطی شیراز بد در سخن
«هر آن پاره خستی که بر منظریست

سر کیقبادی و اسکندریست» (ص ۱۰۵)
یکی از فصل‌ها هم، در بیان عبرت‌آموزی رویدادهای

این جنگ، عنوان «ساقی‌نامه» دارد. (ص ۳۰)
مانند دیگر نمونه‌های ادبی دوره مشروطه‌خواهی، تکیه سخن و عبارات‌های رایج در آن سال‌ها و واژه‌های تازه راه یافته به فارسی در این منظومه دیده می‌شود. از اینگونه است «راگون» که کلمه‌ای روسی است و به معنی مهار یا افسار به مفهوم ضابطه و قانون، و «پولتیک» به معنی سیاست.

شرح شماری از صحنه‌های نبرد در این رزمنامه حال و هوای احساسی دارد، چنانکه وصف درماندگی محاصره شدگان روس در قلعه آررتور:

چنان ریخت توپ از سر تیغ کوه

که شد خلق از توپ اندر ستوه

نه خانه به جا مانده نه خانقاه

نه بازار و دکان نه کوچه نه راه...

خوراکی نبدشان بجز درد و خشم

شرابی نبدشان مگر آب چشم (ص ۶۷)

نیز گفتنی است که سراینده در شرح آرایش جنگی در بیشتر نبردهای زمینی، دو اردوی حریف را به شیوه

جنگ‌های قدیم در صفوف میمنه، میسر و قلب سپاه در برابر یکدیگر آراسته است. چنانکه در نخستین نبرد در دشت لیایانگ:

ز ژاپون به قلب سپه نادزو

همی جنگ را داشتی آرزو

چو جنرال کروکی که در میمنه

فکندی به قلب عدو همینه

اوکو میسر را سپهدار بود

که بشکست او خصم را چُست زود

به عیوق بر شد دم نای و کوس

ازین روی ژاپون و زان روی روس (ص ۵۲)

نیز از همین نمونه است نبرد در جبهه موکدن (ص ۷۳)

که در آن کروکی، اوکو، نودزو سرداران ژاپنی به ترتیب در میمنه، میسر و قلب سپاه به فرماندهی اوایما، و سپاه دیگری به فرماندهی نوگی برقشون روس که کالبرس، لینیویچ و کروپاتکین سرداری میمنه و میسر و قلب آنرا داشتند تاخند و آنانرا درهم شکستند.^۷ میکادونامه با ستایش ایزد آغاز می‌شود:

ستایش سزد آن شهنشاه را

که فرمان دهد بنده و شاه را

جهان جمله محکوم فرمان اوست

جهان بانی از کمتر احسان اوست

یکی نقش زبینه کرد از زمین

که بر نقش و نقش‌آفرین آفرین!

سپس شرحی در سفارش شاهان به عدل و پرهیز از بیداد، پس از آن فصلی دارد با عنوان «آغاز داستان شاهان باستانی پی عبرت دیگران» که در آن به وصف کیومرث و جمشید پرداخته و آبداتی و داد و دهش آنان را ستوده و افزوده است که در پایان کار چون دیو پرکین خودبینی جمشید را از راه به در بُرد ضحاک تازی بر او چیره آمد، و این یک هم که ستم پیشه کرد از کاوه و فریدون شکست یافت. سراینده به همین سان رسم و راه شاهان افسانه‌ای و تاریخی را بازگفته تا به پایان کار ساسانیان رسیده است که در روزگار خسروپرویز و در بامداد اسلام چو خسرو کتاب پیمبر درید

بساط ستم در جهان گسترد

بودای بزرگ یا «دایوتسو» در شهر «کاماکورا» واقع در ایالت «کاناگاوا» با ارتفاع ۱۱/۵ متر که در سال ۱۲۵۲م ساخته شده است



میکادونامه ژاپن را نماینده شرق به پاخاسته می‌داند و پیروزی او را بر روس انتقام از آز و بیداد غربیان می‌شناسد

میکادونامه چنانکه از نام آن برمی‌آید، در واقع جشن‌نامه پیروزی ژاپن بر روس است در جنگی که نخستین بار در عصر جدید به غلبه کشوری آسیایی بر دولتی از شمار قدرت‌های استعماری غرب انجامید

و به مایه این غرور و بیراهی، تخت و بخت آن خاندان واژگون شد. (۷)

موجبات جنگ

میکادونامه نخست، در «بیان ترقی دولت روس از خردمندی پطرکبیر» از اعتلای روسیه به مایه تدابیر او سخن گفته و نتیجه گرفته است: همه آن ترقی بُد از عدل و داد

که پطرکبیر آن بنا بر نهاد (۸) اما پس از آن چون دولت روس از راه عدل روی گرداند، کوکب جاهش به زیر آمد. بیدادگری آن دولت به‌ویژه در ستم کردن با ارباب ادیان و اقوام متنوع بود. گهی از یهودی کشیدی دمار

که گشتند آواره هر دیار گهی ارمنی را نمودی ستم

که خط و زبانشان رود در عدم تا که سرانجام چون بر مسلمانان سخت گرفت، صبر خدا به پایان آمد:

سپس مسلمین را برآشفتم کار که بر ترک مذهب شدندی دچار به زنها همی خواست ترک حجاب به مردان بسی کرد زجر و عتاب اذان و اقامت گهی نهی کرد پس ترک حجشان بسی سعی کرد خدا را زخود خشمگین ساختند

به خود تیغ قهر خدا آختند (۹) پس میکادو درس عبرتی به زمامداران روس داد، و ژاپن که سی سالی بیشتر از آغاز تجددش نمی‌گذشت امپراتوری سیصدساله روس را به زانو درآورد: سه ده ساله ژاپون مردانه مرد برآرد زملک سه صدساله گرد (۱۲)

آنگاه فصلی دارد با عنوان «شمه‌ای در ترقی ژاپون» و در پی آن شرحی کوتاه در پیشروی ژاپن در منچوری و جنگ ژاپن و چین، که نخستین درگیری پیروزی انجام این دولت در عصر جدید و مقدمه جنگ با روس بود:

چو شد سیصد و سیزده با هزار

شده جنگ ژاپون و چین آشکار

به منچوریا از دو سو تاختند

یکی سخت جنگی درآنداختند (۱۶) ظاهراً با مداخله فرانسه و آلمان و روس، ژاپن از بیشتر دستاوردهای پیروزی بر چین محروم ماند و جاهایی را که تصرف کرده بود از دست داد و پس از آن دولت روس با فرصت جستن از شورش در چین بر منچوری دست یافت و در بندر آرتور استحکامات ساخت، ژاپن کینه روس را سخت بر دل گرفت و به انتقام برآمد. در اینجا به عنوان «تصحیح بر سبیل حکایت» مثالی آورده است:

مرا دوش دانش یکی قصه گفت

که چین مادری بود، منچور دُخت پدر شخص خاقان و ژاپون عمو

کند دختر عم به عم‌زاده شو این پسر از سر غیرت برمی‌خیزد، متجاوز را به جای خود می‌نشانند، عروس را به حمله می‌برد، تا شکست رقیب مایه عبرت دیگران شود و اروپائیان دندان از را برکنند و پا در دامان خود کشند و به ملک و مردم خود برسند و نتازند از غرب دیگر به شرق

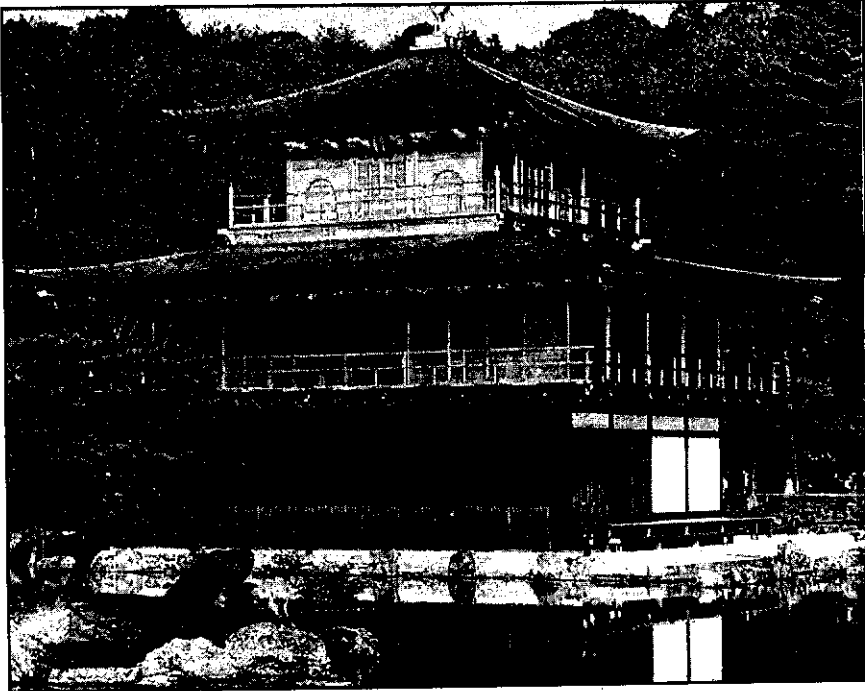
نسانزد عمر گرانبمایه حرق (۲۳) سراینده نتیجه می‌گیرد که در شرق هم اگر ملکداری بر پایه عدل و آبادانی باشد و کار مردم به سامان، بیگانه به اینجا راه نیابد و اگر هم روزی دشمن روی آورد مردم خود با او بستیزند.

بیداری و بینش ژاپن

میکادو چون به پادشاهی نشست به اصلاح حال ملت و تقویت اساس حکومت کوشید و در پی اعتلای ژاپن شد: بگفتا نه ما زاده آدمیم؟

چرا از فرنگان به ثروت کمیم پس سیاستی نو در انداخت، مردم را علم آموخت و اساس کارها را بر دادگری نهاد و نیز ژاپن را از انزوا بیرون آورد. میکادو با دیدن ادبار کار خاقان، که اروپاییان از هر سو بر چین و منچوری تاخته و گرم بهره‌برداری بودند، به فراست دریافت که اگر زود به چاره کار برنیاید بر سرزمین او نیز همین خواهد رفت. پس نخست عهدنامه اتحادی با دولت انگلیس بست:

که در وقت صلح و به هنگام جنگ



نباشند از کار هم در درنگ (۲۶)
این پیمان به توان و اطمینان هر دو دولت افزود، و سپس شاه ژاپون تدارک نمود

همه کار پیکارو، جنگ آزمود (۲۷)
ژاپن تدبیر و تهیه ستیز را از سفارش دادن و ساختن جنگ‌افزار و فراهم آوردن خوراک و پوشاک لشکر و بارآوردن رزمندگان و گردآوردن سپاه با اندیشه و بینش درست دنبال کرد، و

عجب‌تر که آن شاه با فرّ و هوش در این مشغله آن چنان بد خموش که دشمن ندانست چون می‌کند

کم خویشتن را فروز می‌کند (۲۷)
این دولت پس از آماده ساختن خود، همچون شیری از کمین‌گاه بیرون آمد و از امپراتور روس خواست که منجوری را به چین بازگرداند، و چون به چند پیام و نامه پی در پی پاسخی نیامد، مهلتی چهل روزه داد و هشدار به جنگ. اما تزار از سر خودبستگی و نادانی ژاپن را ناچیز و خوار گرفت. از آمادگی ژاپنیان ناآگاه و به نیرو و لشکر خود بالنده بود.

آغاز جنگ و پیشروی ژاپنی‌ها

میکادونامه پس از یادکردن از آغاز درگیری میان ژاپن و روس بر سر منجوری، از حمله ژاپنی‌ها به بندر آرتور سخن به میان آورده است. در اینجا چنان نبرد سختی پیش آمد که یادش در تاریخ جنگ‌های جهانی همیشه خواهد ماند. قشون روس که دویست سال بود کسی حریف و هم‌اوردش نمی‌شد، سی و شش سفینه جنگی‌اش غرق شد و از لشکر بحری‌اش شماری بی‌حساب زیر آب رفتند. (۳۳ - ۳۴) روس‌ها دهانه بندر آرتور را بستند و به جبران حال برآمدند، و ژاپن بهتر دید که برای دنبال کردن دشمن از راه کره به منجوری بنازد، و در این تلاش بر شبه جزیره کره نیز دست یافت (۳۷ - ۳۶). پادشاه کره سرتسلیم فرود آورد، و ژاپن از راه دریا و از این شبه‌جزیره روس‌ها را به آسانی در تنگنا گذاشت. سران روس به دست و پا افتادند و الکسوف را امیرالبحر ساختند، و او با رجزخوانی فراوان دومین نبرد دریایی با ژاپن را شتابان آغاز کرد:

چو فرمانروا شد به اقصای شرق

همی خواست ژاپون کند حرق و غرق
سپهدار بحری و نبری روس

الکسوف یل صاحب بوق و کوس (۳۹)
اما توگو فرمانده ژاپنی همه ساز و سامان او را درهم ریخت. این نبرد سه روز و سه شب به طول انجامید و در پایان، کاربر روسیان زار شد. یک سوم سفاین جنگی روس غرق و یک سوم آن نیز گرفتار دشمن و اسیر شد و یک سوم دیگر رو به گریز نهاده، که از این گروه هم جز اندکی نجات پیدا نکردند.

سفاین ژاپن از راه رود یائو در منجوری پیش رفتند و در کناره این رود نبردی سرنوشت‌ساز شد که باز پیروزی با ژاپن بود و امیران لشکر روسی «ازین جنگ شاهانه بگریختند.» (۴۱)

روس‌ها در لیایانگ، در میان کوهساران سخت، لشکر آراستند، اما اینجا هم در برابر ژاپن تاب ایستادگی نداشتند و در راه گریزشان آبادی‌های بسیار را سوختند و ویران ساختند.

ژاپنی‌ها از کنار دریا راه آهن کشیدند و موازی آن پیشروی کردند. راه رساندن سپاه و سلاح از توکیو هم از پشت جبهه هموار بود. در نخستین جنگ زمینی، پیروزی با کوروکی، سردار ژاپنی بود و از سپاه روس عده بسیاری کشته شدند.

زجنگ لیایانگ و حالات روس

شده باغ بر داغ و گل پرفسوس
سی هزار از روس‌ها در این نبرد کشته شدند و از ژاپنی‌ها بیست و پنج هزار نفر:

لیایانگ را جمله ژاپون گرفت

قضا شست حیرت به دندان گرفت (۵۴)
کروپاتکین به موکدن راند، و ژاپنی‌ها در پی سپاه روس رفتند. زمستان بسیار سختی بود و لشکر روس بی‌برگ و نوا، اما خوراک و پوشاک برای ژاپنیان می‌رسید و غنیمت فراوان هم در لیایانگ گرفته بودند.

شکست روسان

میکادونامه در فصلی با عنوان «جنگ شاهانه شاهو» (رودی میان لیایانگ و موکدن) وصفی شاعرانه از شکست قوای روس در این نبرد آورده،

بیا می‌به اقبال ژاپون خوریم

از آن رود شاهوی میمون خوریم (۵۶)
و افزوده است که کروپاتکین سردار روس با دیدن آمادگی و برتری ژاپنی‌ها در این جبهه، از لاف و گزافی که هنگام روانه شدن خود از مسکو به زبان آورده و دشمن را ناچیز شمرده بود پشیمان شد. آنگاه شکست قشون روس را از ژاپونیان که از نظر شمار رزمندگان و ابزار جنگ امتیاز داشتند به امپراتور خود گزارش داد و الکسوف، سلف خود را برای ناستجیدگی و برآورد نادرست او نکوهید:

الکسوف، فرمانده خاک شرق

زدشمن نه از بیش و کم کرد فرق
به نادانی این جنگ برپا نمود

ابر مازیان کرد، آن جمله سود (۵۶)
امپراتور روس سپاهی تازه به فرماندهی کریپین‌برگ فرستاد و او از کروپاتکین فرمانده کل خواست که در حمله پیشتاز شود. کروپاتکین از آمدن رقیب در دل رنجید و سردار تازه هم او را نکوهش کرد که چرا دو ماه دست روی دست گذاشته و حمله نیاورده است تا:

که این مردم نیم وحشی خوار

نگردند چیره ابر کارزار (۵۷)
کروپاتکین پاسخ داد که او هم در آغاز دشمن را ناچیز شمرده و رجز خوانده و سخن‌های لاف و گزاف گفته بود و اکنون از آن گفته‌ها پشیمان است. کریپین‌برگ خندید و گفت به زودی کار ژاپن ساخته است:

سپس تاخت با لشکر خویشتن

بر اردوی ژاپون دشمن شکن (۵۹)
ژاپنی‌ها نخست عقب نشستند و او را مغرور ساختند و اوایما، سردار ژاپنی، موضع خود را استوار کرد. از سویی هم کروپاتکین که از کریپین‌برگ و آمدنش رنجیده بود به بهانه مناسب نبودن وضع برای نبرد از کمک رساندن به جبهه خودداری کرد. پس روس‌ها شکست سختی خوردند و چهارده هزار کشته دادند. از ژاپنی‌ها هفت هزار تن کشته شدند. کریپین‌برگ با سرافکنده‌گی به روسیه برگشت. کروپاتکین به چند نبرد دیگر نیز پرداخت که شکست از پی شکست بود. سرما و یخبندان سخت هم بر اردوی روس ناسازگار آمد و اوایما با یک شیبخون کار نبرد را یکسره



میگادونامه سعادت ملت و تعالی دولت را در علم و عدل می بیند، و این مایه ها را موهبت مشروطه می داند



اویاما به اردوی روس در تیلنگ تاختند و آنجا را گرفتند، روس ها را دنبال کردند و روانه تسخیر هاربین شدند. اروپائیان چون کار روس را نگویند دیدند سفارش به صلح کردند، و دولتمردان روس هم از سر ستیز برخاستند. روسیه در پی گرفتن وام برای تأمین نیازهای جنگی خود برآمد، اما توفیقی نیافت. ناوگان روس هم که از راه دریای بالتیک عازم جنگ شده بود. چون به اقیانوس هند رسید و از سقوط پورت آرتور خبر آمد، سست شد. از طی این مسیر دور هم خسته و مانده شده و در تنگی آذوقه و ذغال بود.

از اول به نحوی پلنگ آمدند

به آخر چو روباه لنگ آمدند
بحریه روس که به آب های کره رسید، توگو دریا سالار ژاپنی به آن تاخت و توپ بر سرش بارید. میگادونامه، با عنوان جنگ شوشی ها (= تسوشیما) و خاتمه قوای بحری روس، به وصف این نبرد دریایی پرداخته است:

نبینی که چون رفت سالار روس

به بحر کره با دم و نای و کوس

کز آن آب گوهر ستاند خراج

شدش کشتی و گوهر و تخت و تاج

صدو و پنج کشتی بدانجا کشید

به یک سال اطراف دنیا دوید...

به ساعت زمانی شد آن جمله بیست

که چشم فلک خون بر آنها گریست (۹۴-۹۳)

چهار یک سفاین روس غرق و چهار یک اسیر و بسیاری در حال فرار شکسته و بقیه به بنادر متفرق پناهنده و خلع سلاح شد. توگو در جهان شهره شد و نبرد تسوشیما سرآمد پانزده حرب معروف در تاریخ جنگ های دریایی عالم گردید. گزارش این نبرد که به روسیه رسید، مردم از پیروزی نومید شدند.

ناوگان زیرفرماندهی توگو در دو دسته، یکی روانه ولادیوستک و دومی راهی ساخالین شدند. اردوی روس در اینجا دفاعی چنان که می یابست نکرد، و از آن سو هم دریا سالار ژاپن در ولادیوستک پیاده شد و راه آهن هاربین را بست. امپراتور روس ناچار تن به صلح داد و

پس از هیجده ماه جنگ و ستیز

به صلح آمدند آن دو تن ناگریز (۹۹)

ساخت. روس ها در آن شب سی و شش هزار کشته دادند و کروپاتکین به موکدن گریخت.

در جبهه دیگر، در بندر آرتور، پس از هشت ماه محاصره سخت و پایان یافتن توان روس ها،

بناچار استاسل نامدار

ز ژاپون همی خواستی زینهار...

چو جنرال نوگی چنین دیدکار

پذیرفتشان با بسی افتخار

بفرمود تمجید سالار را

مرآن شیردل میرپیکار را

از آن استقامت که در هشت ماه

نمود و نکرد او به جنگ اشتباه

دیدار نوگی و استاسل و رفتار احترام آمیز سردار ژاپنی

با فرمانده قوای شکست خورده روس از صحنه های

شورانگیز این جنگ است. استاسل مرگ فرزند نوگی را در

جنگ تسلیت گفت و اسب نژاده خود را به او هدیه کرد.

پس از آن، نبرد موکدن که به فرار کروپاتکین

سپهسالار روس انجامید سرنوشت ساز بود:

برونشان ز منچور کرد همچو سخت

که منچور از یاد روسان برفت (۷۳)

راه آهن هاربین که روس ها ساخته بودند به دست

دشمن افتاد و مردم منچوری هم با آنها بر سر کین بودند.

روس ها با درماندگی برای جنگ آماده شدند، و پنداری که

در دل می گفتند:

شما گر ندارید مهمان عزیز

ره بازپیشان ببخشید نیز...

شما را به ارزانی ایندشت و دی

به روسیه ما را بس آن جام می (۷۵)

نیروی روس از منچوری رانده شد. خبر که به روسیه

رسید، ولوله در مردم افتاد و به دولت زبان اعتراض گشودند.

از این کار شد تیره تر حال روس

بوازون شدش گنبد آبنوس (۸۱)

پیروز برآمدن ژاپن

روس ها پس از فرار از موکدن در تیلنگ که قلعه ای

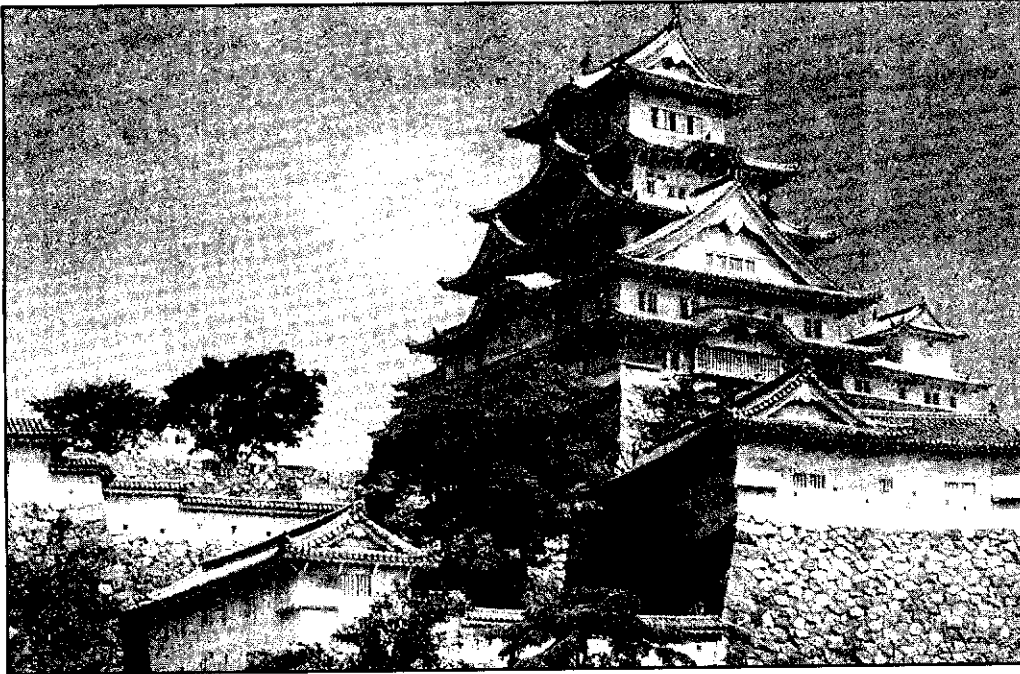
محکم همچون لیاپانگ داشت موضع گرفتند. کروپاتکین

عزل شد و لینیویچ به سرداری قشون روس رسید. نوگی و

متن و مطالب این منظومه و روایت رویدادها و همسویی سخن آن با گزارش ها و تفسیرهای جبل المتین کلکته نشان میدهد که سراینده آن مطلب خود را همه یا بیشتر از نوشته های این روزنامه برگرفته و آن را به شیوه شاهنامه سروده و ساخته است



قلعه ماهیخوار یا « شیراساکی-جو» که در « هیمة جی»
و در قرن چهاردهم ساخته شده است



گفت و گوهای صلح

میکادونامه موجبات و مقدمات «صلح ژاپون و روس و خانمة جنگ» را چنین برشمرده است:
نیینی که چون امپراطور روس
ز ژاپون شدش روی چون سندروس
به روسیه چون شور و غوغا گرفت
به هر سو یکی شعله بالا گرفت
همه رشته نظم دولت گسیخت
به خاک آبروی دوصد ساله ریخت...
شدش دولت آمریکا نقیب
بی چاره درد او چون طیب...
دوان از دواخانه انگلیس
طلب کرد داوری صلحی به پیش (۹۹ ۱۰۰)
نمایندگان ژاپن و روسیه برای مذاکره صلح به
سرپرستی رییس جمهور آمریکا به قاره جدید رفتند؛
چو آمریکا در وضع جمهور بود
بدانش همه کارش مشهور بود (۱۰۱)
میکادونامه از امپراتور ژاپن ستایش فراوان کرده است
که سفارش سرداران خود را که می گفتند روسیه توان
پایداری ندارد و آنها می توانند پیشروی کنند، نشنید و راه
آستی پیش گرفت. سرانجام، با گذشت فراوان ژاپن و چشم
پوشیدن او از پاره‌ای امتیازها که می خواست، صلح شد. در
ژاپن مردم فریاد اعتراض سردادند:
نمودند اظهار رنجش تمام
که ما را نشد صلح وفق مرام (۱۰۴)
پادشاه مصلحت این توافق را یادآور شد. اما مردم
جواب سخت دادند. پس با مقررات زمان جنگ با ناراضیان
مقابله شد و غوغا فرو نشست. آنگاه به ترمیم خرابی‌ها
برخواستند.

عبرت آموزی این جنگ و پایان کار آن

آخرین فصل میکادونامه با عنوان «خانمة کتاب بعون
الملك الوهاب» نتیجه گیری از مطالب پیشین است و با
ساقی نامه‌ای آغاز می شود در بیان بی وفایی دنیا و بدعهدی
روزگار، و باز نکوهش دولت روس که اگر به راه بیداد
نمی رفت،

نمی شد چنین روزش انجام کار

که یکباره گردد تبه روزگار (۱۰۷)
شکست در جنگ و از دست رفتن منچوری، که در
اصل خاک او نبود و وامدار شدن به دولت‌های دیگر همه
سهل است و از گونه تجربه‌ای که برای هر ملک پیش
آمده. همانا بیدادگری و استبداد بود که برای آن دولت
شکست آورد. انقلابی که در روس شد و در هر گوشه آن
فتنه‌ای برخاست پیامد خوار شدن ملت از سوی دولت بود
که:

ز ظلم آنچنان در ستوه آمدند
که بر ضد دولت گروه آمدند
رعیت اگر بودی از شه رضا
نمودی به دلپاشان مدعا (۱۰۸)
افزوده است که:

اگر باز مشروطه شد دولتش
فزون گردد آن قدرت و قوتش (۱۰۹)
و در توجیه مشروطه افزوده است که خداوند هم به
پیامبرش فرمود در کارها شور کند:
نبی را چو باشد به شورای کار
دگر نیست شه را از آن ننگ و عار
گویند میکادونامه در اینجا چشم به ایران دارد و روی
سخن با فرمانروای قاجار:
چو مشروطه شد پایه سلطنت
فزونی دهد مایه سلطنت
ز مشروطگی گشت ژاپون بزرگ
که شد چیره بر همچو خصمی سترگ (۱۱۰)

بینش و اندیشه «میکادونامه»

در سخن میکادونامه و وصف آن از رویدادها و گذار و
گریزی که بارها به مطالب جانبی دارد، زمینه و مایه فکری
آن و نیانی را که سراینده‌اش در سرداشته است. می توان
یافت:

تشجیع ایرانیان

در گرماگرم جنبش مشروطه خواهی، میکادونامه بیش
از هر چیز در پی به شور آوردن ایرانیان و برانگیختن

احساسات ملی آنها است. در آغاز وصف جنگ روس و
ژاپن بر سر منچوری، پس از مقدمه‌ای در فضیلت سخن و
حاصل نام نیک و غیرت وطن خواهی، ایرانیان را هشدار
می دهد:

نه ما کم ز ژاپون و آن مردمیم
چرا در ترازوی عزت کمیم؟
ز غفلت چنین نام ما شد به ننگ
که از ننگ داریم سر زیر سنگ
به سنگ حوادث همه داده تن
نجنیم چون مرده اندر کفن
بدین سان اگر دیرگه بگذرد
یقین رشته عز ما بگسلد...

ببایند در خانه بیگانگان

برند از زمان جمله همسایگان (۳۳)
و می گوید که در برابر مطامع بیگانگان باید هشیار
بود، چنانکه میکادونامه از فرجام کار خاقان چین که اسیر
دست اروپائیان شد درس گرفت و به تدبیر کار و پیشگیری
برآمد.

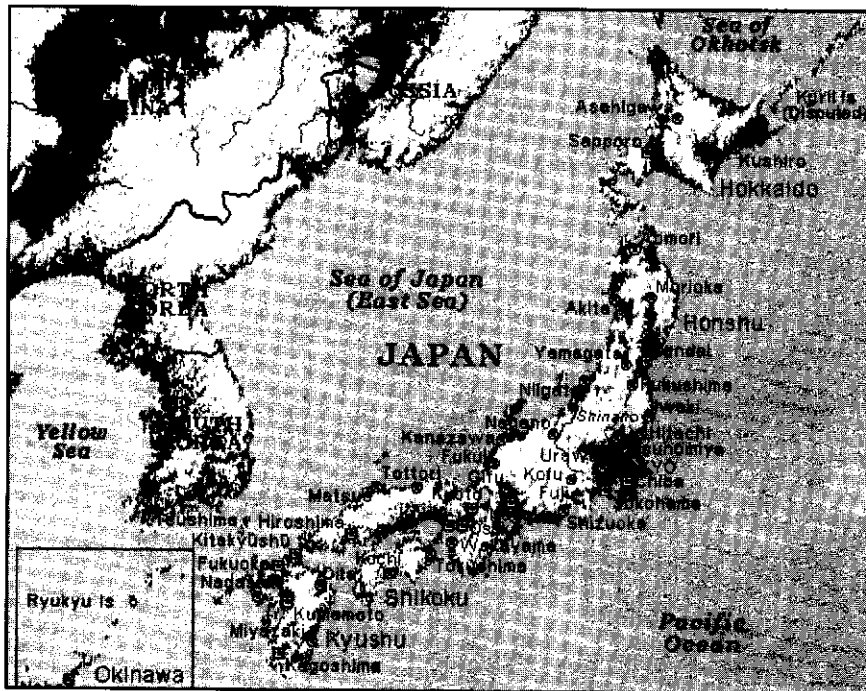
در شرح «جنگ شاهانه شاهو» که ژاپن در آن پیروزی
درخشان در نبرد دریایی یافت، می خوانیم:
بیا می به اقبال ژاپن خوریم
از آن رود «شاهو» می میمون خوریم...
چو صبح تمدن ز ژاپون دمید
از آن شمس طالع جهان شد سپید...
چو ژاپون شد پیش آهنگ ما
بود نوبت هوش و فرهنگ ما...
چو مردان او رو به مردی کنیم
خور و خواب و راحت به دور افکنیم (۵۶)

شرق و آسیا در برابر غرب

میکادونامه ژاپن را نماینده شرق به یا خاسته می داند
و پیروزی او را بر روس انتقام از آز و بیداد غربیان می شناسد.
در شرح پایان جنگ مؤکدن، عبرت آموزی ژاپنیان به دشمن
شکست خورده و چنین بازگو شده:

شما از طمع تیز دندان شدید

ز روسیه تا این بیابان شدید



این منظمه که به سخن مدیر
 جبل المبین در تقریظ او «نصایح دلپذیر و
 چگونگی [شرح] محاربات عبرت خیزش
 ملل غیور را اسباب جنبش و مایه
 عبرت است». ۲۲ بخش دارد، و
 جای جای از تعبیرها و ترکیب‌های
 کلام شاهنامه و آثار دیگر سرایندهگان
 نامور وام و بهره
 گرفته است

بود صفحه شرق از آفتاب
 شود دود را پیش او دل کباب...
 شما غربیان را به مشرق چه کار؟ (۷۶)
 لشکر ژاپن پس از پیروزی دریایی متوجه ساخالین
 شد، که اینجا را روسیه سال‌ها پیش خریده و آباد کرده بود.
 سزد شاهد شرق بر شرقیان
 نه ناحق در آغوش افرنجیان (۹۶)
 کارو کردار ژاپنی‌ها مایه فخر همه اهل مشرق زمین
 است و رفتار جوانمردانه نوگی، سردار ژاپنی با دشمن پس
 از دست یافتن به قلعه آرتور نمونه این منش:

پس از روزگاری که قوم فرنگ
 ببردند از آسیا نام و ننگ
 به وحشی‌گری خوانده اهلیش مدام
 زبی دانشی کرده خلقش غلام
 به قانون و نظم و اساس و سلاح
 نموده همه کار خود را صلاح
 به هر گوشه مشرق زمین تاخته

 به ناگه ز ژاپون فرخنده زاد
 برآمد طبیعت به فریاد و داد
 که آهسته‌ای با غروران غرب

 بسی قرن‌ها رفت کاین آسیا

ابر دیده غرب بد توتیا...
 کنون گر زمانه به کام شماس
 وگر توسن بخت رام شماس...
 نداند کسی غیر پروردگار
 که فردا چه بازی کند روزگار (۷۱ - ۷۰)

علم و عدل

میکادونامه سعادت ملت و تعالی دولت را در علم و
 عدل می‌بیند، و این مایه‌ها را موهبت مشروطه می‌داند.
 پطر کبیر و میکادو دو پادشاهی که میکادونامه آنها را بیش
 از هر کس می‌ستاید. در میان ملت خود بنای علم و عدل
 نهادند. «در بیان ترقی دولت روس از خردمندی پطر کبیر»
 گوید:

نیینی که یک چند گه ملک روس

شده همسر گنبد آبنوس...
 ز پطر کبیر اخترش شد به اوج
 به قلزم چهارانش افگند موج
 همه آن ترقی بد از عدل و داد
 که پطر کبیر آن بنا بر نهاد...
 به قانون علم و به هنجار خویش
 به زاگون عدل و به رفتار خویش
 ابر پیش عدلش مساوات بود
 مسلمان و روس و مجوس و یهود (۹ - ۸)
 نیز در فصل «شمه‌ای در ترقی ژاپن» می‌گوید که
 چون میکادو به پادشاهی نشست به اصلاح حال و کار
 ملت کوشید، و گفت که در جوهر و استعداد از باختریان کم
 نداریم، اما:

فرنگان چرا پیش افتاده‌اند
 در علم بر خویش بگشاده‌اند...
 نخستین بیاید سوی علم تاخت
 سپس نرد عزت به دولت بیاخت
 برون باید آمد از این کهنه دل
 به آمد شد آئیم با جمله خلق (۱۳ - ۱۲)
 در میانه وصف جنگ موکدن نیز گویی مردم ایران را
 هشدار می‌دهد:

به یک گفت و یک رای و یکجا شوید
 به درد دل خویش دانا شوید
 که از هر طرف درد زور آور است
 امید شفا زین مرض (= نادانی) کمتر است...
 همین رشته باشد امید حیات
 که دانش دهد قوم ما را نجات (۷۸ - ۷۷)
 در شرح پیروز برآمدن ژاپن نیز بیداری ایرانیان را آرزو
 می‌کند:

بیا ساقی آن ده که آنم کند
 به پیرانه سر نوجوانم کند...
 به دل آرزوی جوانیم بود
 به سر شوقی از زندگانیم بود
 که مانم و بینم در این روزگار
 چنین روز را و چنین کار زار
 مگر بخت ما هم به کام آید

ساختمان «آمی دادو» که به تالار عنقاد در معبد «بیودواین» معروف می‌باشد .
این ساختمان تجملی، نمایانگر یک قصر در بهشت بودا می‌باشد



روس در این منظومه مظهر استبداد و بیدادگری شناخته شده است

سمند جهنده به رام آیدا
ز خواب گران زود سر بر زنیم
زدانش به سرباز افسر زنیم
بیوئیم ره سوی علم و خرد
که علم از تغافل برونمان برد (۸۲ - ۸۱)
بدفرجامی کار روس و ناآرامی پس از جنگ در آنجا
نتیجه استبداد و بیداد بود، که «بدی را بدی آورد روزگار»:
عجب نیست گر روس اینسان شکست
که دل‌های بیچارگان را بخت (۹۳)
هم در سخن از به پاخاستن مردم روسیه پس از
شکست این دولت در جنگ گوید:
«رعیت کنون فکر آزادی است...» (۱۰۸) و اگر کار
دولت روس برپایه عدل و داد بود «نمی‌شد چنین روزش
انجام کار» (۱۰۷)
حکومت عدل و مشروطه ملت و دولت را نیرو و اعتلا
می‌بخشد و پیروز برآمدن ژاپن هم بر این موهبت بوده
است:

«زمشروطه گی (کذا) گشت ژاپن بزرگ» (۱۱۰)
انگلیس ستانی

میکادونامه انگلیس را نماد و نماینده حکومت مشروطه
یا نظام عدل می‌شناسد و او را به این فضیلت می‌ستاید.
سراینده از دادورزی دولت بریتانیا و رفتار مساوی با اقوام و
ادیان قلمرو پهناورش سخن گفته و منش و روش وی را
تمدن‌ساز و معرفت‌پرور خوانده است!
نیینی که در خاک هندوستان

زهر فرقه انبوهی از باستان
زودایی و مسلم و از یهود
زدهری و از گیر و قوم هندو
دو صد سال باشد که شد انگلیس
به هندوستان با تمامی جلیس
همه قوم را دانش آموخت او
همه پارگیهایشان دوخت او
در آنجا کسی را به کس کار نیست
زمذهب به هر فرقه گفتار نیست (۱۰)**
هم انگلیس بود که ژاپن را در راه تجدد یاری داد.
امپراتور در آغاز نهضت نوگرایی ژاپن جوانان پرمایه و

نخبگان نوسال را برای فن‌آموزی برگزید و آنان را
فرستاد در لندن، آن شهر طاق
که تالی ندارد به دور وثاق (۱۳)
نیز میکادو در آغاز مناقشه با روس،
بر آن شد که با دولت انگلیس
کند عهد و میثاق و گردد جلیس
چو اول هم استاد وی بود او
ز شاگردی وی شد او کامجو (۲۶)
متانت انگلیس هم نمونه است، چنانکه پس از غرق
اشتباهی بسیاری از کشتی‌های ماهیگیری انگلیس با آتش
ناوگان روس که از راه دریای بالتیک روانه شرق بود،
هنگامی که «همه قوم بریتانیای نجیب» به خشم آمده
بودند، این دولت سختی نشان نداد و توافق شد که مجلسی
در لاهه فراهم شود و مسؤولیت و غرامت را بررسی کند،
چرا که دولت روس در این هنگام ناتوان و با دشمن درگیر
بود:
ز مردانگی دُور دید انگلیس

که بیچند بر آن هم نبردش دسیس (۹۰)
پس از آنهم که روس با شکست‌های پیاپی از پا درآمد
و خیرخواهان به چاره‌جویی برخاستند و پای «خرد دولت
آمریک» به میان افتاد
سپس گشت با او شریک انگلیس

چو هستند با هم جلیس و انیس (۸۶)
روس ستیزی

روس در این منظومه مظهر استبداد و بیدادگری
شناخته شده، و رفتار روس‌ها با اقلیت‌ها برعکس سیاست
انگلیس بوده که همیشه با اقوام و اصحاب ادیان متنوع
رویه مدارا داشته است.
معترضه‌ای بر آغاز شرح مناقشه روس و ژاپن بر سر
منچوری «ساقی‌نامه» ای است با این ابیات:

مرا آرزو این بُد از عمر خویش
که بینم چنین روزگاری به پیش...
همانا که چون امپراتور روس
ببالید بر خود چو آواز کوس...
خدا خواست تا عبرت آید به خلق... (۳۰)
در بیان «آمدن کوریا (= کره) به قبضه ژاپون» سراینده

باز ساقی نامه‌ای آورده و خشم خود را از حکومت تزار نشان
داده است؛ پنداری که ژاپن سرزمین کوه را از جنگ روس
به درآورد تا در آنجا بساط داد و دهش بگسترد:

بیا ساقی ای یار فرخنده پی...
بشارت ده از فتح ژاپون زاد
که آن مُلک را از عدو چون ستاند
غزالی چنان را ز چنگال گرگ
چنان در رُبود آن خدیو سترگ...
همه پادشاهان روی زمین
بخواندند از دل به وی (= میکادو) آفرین (۲۷)
پس از نبرد سرنوشت ساز مؤکدن نیز حال تزار چون
نامش «زار» شد:

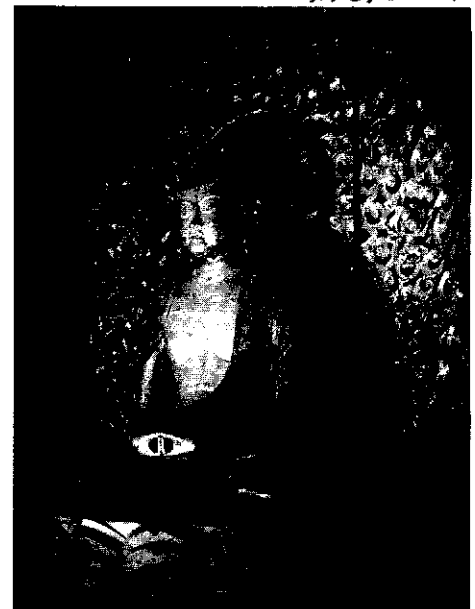
لقب شد چو بر امپراطور زار
به آخر شدش چون نام زار (۸۱)
بحریه روس که به آب‌های کُره رسید، توگو دریادار
ژاپنی، از هر سو راه بر آن بست و توپ بر سفایش بارید، و
روس‌ها تقاص حمله به کشتی‌های ماهیگیری انگلیس در
دریای شمال را در اینجا دادند:

هم انسان که بر بنیویان زدند
تو گفتی که بر گله شیران زدند...
روز روشنشان در دریای چین شب تار شد (۹۳ - ۹۲).
نابسامانی‌های کار روس انتقام الهی است برای
جانبداری این دولت از استبداد قاجاریان:

عجب نیست گر روس اینسان شکست
که دل‌های بیچارگان را بخت (۹۳)
اگر دولت روس دادگری پیشه می‌کرد،
نمی‌شد چنین روزش انجام کار
که یکباره گردد تبه روزگار (۱۰۷)

ژاپنیان پرفضیلت

سراینده میکادونامه مردم ژاپن و بیشتر از همه سران
آن دولت به خصوص امپراتور میجی (میکادو) و سرداران
نظامی او را ستوده و آنها را برای فضیلت‌هایشان ارج نهاده
است. متانت، عزم و پایداری از جمله این فضیلت‌ها است.
در جنگ یائو، که به خاطر اسیر و غنایم جنگی بسیاری که
ژاپنی‌ها گرفتند، شهره شد، سران روس به مردم خود وعده



میگادونامه انگلیس را نماد و نماینده حکومت مشروطه یا نظام عدل می شناسد و او را به این فضیلت می ستاید. سراینده از دادورزی دولت بریتانیا و رفتار مساوی با اقوام و ادیان قلمرو پهناورش سخن گفته و منش و روش وی را تمدن ساز و معرفت پرور خوانده است!

پیروزی می دادند. اما سرداران ژاپن فروتنی، متانت، عزم و آمادگی در کار داشتند و خداوند هم یاریشان داد و ارجمند و پیروز برآمدند. (۴۴)

در مقابل، خودستایی و رجزخوانی سرداران روس برایشان رسوایی بار آورد.

ز اخبار رویتر شنیدم چنین

که چون شد به شاهو کروپاتکین

پشیمان شد از آنچه لاف و گزاف

که خود کرد هنگام رو در مصاف (۵۶)

ژاپنی‌ها مرد کردارند و حریف آنان اهل گفتار نیز نمونه‌های بسیاری از ادب و متانت و مروت نزد سران و سرداران ژاپن مشاهده می‌شود. خوش رفتاری نوگی، سردار ژاپنی، با سردار و سپاه تسلیم شده روس پس از دست یافتن به قلعه آرتور از این شمار است، که «زفتح پیایی نبودش غرور» و

چنان کرد رفتار با خصم زشت

که تخم تمدن به عالم بکشت...

برای همه اهل مشرق زمین

شد از وی بسی فخر درگاه و کین (۷۰)

امپراتور ژاپن نیز در برابر دشمن شکست خورده بزرگواری را از حد گذراند و درخواست‌های خود برای صلح، گذشت بسیار نشان داد و «همی خواست کان کینه گردد تمام»!

بزرگی نگر خیرخواهی ببین

جوانمردی و پادشاهی ببین

که هنگام قدرت به بدخواه زشت

زتاوان جنگی چنین دست هشت...

از آن جنگ و آن فتح و این آشتی

به دوران بسی نام بگذاشتی (۱۰۳ - ۱۰۲)

فضیلت دیگر ژاپنی‌ها پشتکار و تحمل و پایداری است.

در بسیاری از نبردها و جبهه‌های این جنگ سربازان و سرداران ژاپنی سختی فراوان دیدند و جانبازانه ایستادند و جنگیدند. در جبهه بندر آرتور، با کشته بسیار که ژاپنی‌ها در آغاز نبرد دادند، سرانجام در سایه پایداری پیروز شدند. نوگی سردار ژاپنی، در این نبرد پسرش را از دست داد. پسر دیگرش در نبرد تان‌شان کشته شده بود (۶۲):

خدا هر کرا خواست عزت دهد

نخستین به هر کار همت دهد (۵۱)

پی‌نوشت

* شماره‌ای که اینجا و ازین پس در میان ابرو آمده، شماره صفحه متن چاپ شده میگادونامه است.

* * اگر چنین بوده است که باید گفت هندوان و آفریقائیان و دیگر مردم استعمار شده که برای آزادی و استقلال به پا خاستند سختی‌ها کشیدند و جان باختند، پیشرفت و رفاه و خوشی دلشان را زده بود!

۱- نسخه‌ای از میگادونامه در کتابخانه تالار یادبود استاد فقید هاندا (هاندا کینن کان) در دانشگاه کیوتو هست، و به عکسی از آن به لطف آقای پروفیسور شوکو اوکازاکی محقق تاریخ و اقتصاد دوره قاجار دسترس یافتیم.

۲- بنگرید به ماخذ زیر:

E. Papinot: Historical and Geographical Dictionary of Japan, Tuttle, Tokyo, ۱۹۷۲.

۳- بنگرید به مقاله دکتر ناصرالدین پروین: روزنامه مقدس جبل‌المتین، در: ایران‌شناسی، سال پنجم، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۳)، ص ۴۸۱.

۴- همانجا، ص ۴۸۴

- برای شرح بیشتر بنگرید به مقاله هاشم رجب‌زاده: ژاپن در جبل‌المتین، در: ایران‌شناسی، سال هشتم، ش ۲ و ۳ (تابستان و پاییز ۱۳۷۵)، صص ۳۲۱ تا ۳۳۸ و ۴۹۶ تا ۵۰۸.

۵- برای جنگ روس و ژاپن بنگرید به ماخذ زیر: هاشم رجب‌زاده: تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر: نگاهی به زمینه‌ها و مایه‌های فرهنگ و تمدن امروز سرزمین آفتاب، تهران، ۱۳۶۵، صص ۲۳۲ تا ۲۴۳.

۶- کروپاتکین سردار جنجال برانگیز روس در جنگ با ژاپن در یادداشت‌هایش از مواضع خود در این جنگ دفاع کرده است. بنگرید به خاطرات او:

Kuropatkin (General): The Russian Army and the Japanese War, A. B. Lindsey (tr.), E. D. Swinton (ed), Hyperion Press, Westport, ۱۹۷۷.

۷- دیگر نویسندگان و اندیشمندان ایران نیز از رویداد جنگ روس و ژاپن و پیروزی این دولت در آن برای تهییج ایرانیان و پیش بردن هدف قانون خواهی و آزادی‌طلبی بهره بردند. برای این موضوع بنگرید به مقاله هاشم رجب‌زاده: جنگ روس و ژاپن به روایت ایرانیان، در: آینده، سال هجدهم، ش ۱ - ۶ (فروردین - شهریور ۱۳۷۱)، صص ۹۱ تا ۱۰۵. و ش ۷ - ۱۲ (مهر - اسفند ۱۳۷۱) و سال نوزدهم، ش ۱ - ۳ (فروردین - خرداد ۱۳۷۲)، صص ۹۰ - ۸۹.